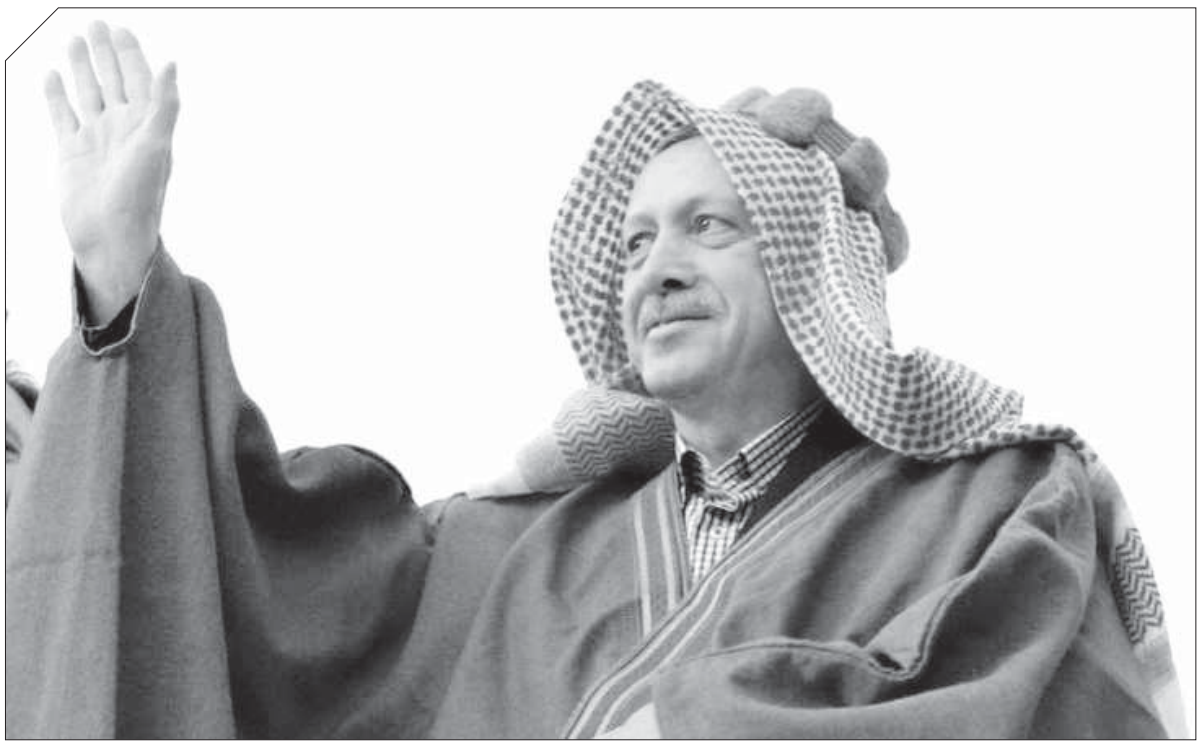

آغاز سفر رجب طیب اردوغان به عربستان، قطر و امارات

تور سلطان در خلیج فارس

رئیس‌جمهوری ترکیه روز گذشته اولین سفر خود به کشورهای حوزه خلیج فارس پس از پیروزی در انتخابات ریاست‌جمهوری اخیر را آغاز کرد. عربستان اولین میزبان اردوغان و هیئت عالی‌رتبه همراه اوست و پس از آن نیز به قطر و امارات سفر خواهد کرد. این دیدارها در پی ماه‌ها تلاش ترکیه برای بهبود روابط با همسایگان منطقه‌ای خود انجام می‌شود و گفته شده است که روی معاملات اقتصادی بزرگ متمرکز خواهد بود و حدود ۲۰۰ مقام ارشد اقتصادی اردوغان را در این تور همراهی خواهند کرد. انتظار می‌رود رئیس‌جمهور ترکیه در طول سفر خود به این سه کشور حوزه خلیج فارس قراردادهای چندمیلیارددلاری با آنها منعقد کند.

جنبه‌های مالی این سفر برای اردوغان که در ماه می سال میلادی جاری دوباره به ریاست‌جمهوری این کشور انتخاب شده و به دنبال بهبود وضعیت اقتصادی این کشور است، اهمیت زیادی دارد. اقتصاد ترکیه درحال‌حاضر تحت فشار شدید قرار دارد. تورم در ترکیه در بالاترین حد خود است و ارزش لیر واحد پول آن به‌شدت کاهش یافته و ترکیه با کسری بودجه شدید روبه‌رو است. گفته شده که در دیدار اردوغان با مقامات عربستان سعودی، امارات متحده عربی و قطر مسائل جهانی و منطقه‌ای هم مورد بحث قرار خواهد گرفت و در این مذاکرات تحولات سوریه، یمن، عراق، سودان، لیبی و فلسطینی‌ها هم بررسی خواهد شد. اردوغان قرار است امروز در شهر «دوحه» با «شیخ تمیم بن‌حمد آل‌ثانی» امیر قطر و روز چهارشنبه با رئیس امارات در «ابوظبی» دیدار کند.

این دیدارها در حالی است که ترکیه با افزایش مالیات بر فروش سوخت سعی در بهبود اوضاع اقتصادی دارد. نرخ تورم رسمی در ترکیه ماه گذشته به ۳۸ درصد رسید که نسبت به بالاترین رقم ۸۵ درصدی در ماه اکتبر کاهش یافته است. بااین‌حال، اقتصاددانان مستقل معتقدند نرخ واقعی تورم در ماه ژوئن حدود ۱۰۸ درصد بوده است. اردوغان امیدوار است کشورهای نفت‌خیز عرب خلیج فارس به رفع شکاف اقتصادی ترکیه کمک کنند. ترکیه به تازگی روابط خود را با عربستان سعودی و امارات پس از یک شکاف ۱۰ساله ترمیم کرده است. اردوغان سال گذشته با محمد بن سلمان و «محمد بن زاید آل نهیان»، رئیس امارات متحده عربی دیدار کرد. اردوغان در یک نشست مطبوعاتی گفت این دیدارها فرصتی است که به او اجازه می‌دهد شخصا حمایت کشورهای خلیج فارس از ترکیه را ببیند. او گفت که پیش از این کشورهای حاشیه خلیج فارس متعهد به افزایش سرمایه‌گذاری‌های کلان در ترکیه شده‌اند و این سفر به این تعهدات استحکام خواهد بخشید.

از قتل خاشقچی تا امروز

در سال ۲۰۱۸، قتل هولناک جمال خاشقجی روزنامه‌نگار مخالف سعودی در کنسولگری استانبول منجر به قطع تقریبا کامل روابط دیپلماتیک ترکیه و عربستان سعودی شد. رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه در آن زمان گفت خاشقجی «توسط جوخه مرگ فرستاده‌شده از ریاض به قتل رسیده است». او افزود: «ثابت شده است که قتل او از پیش طراحی شده بود». اردوغان از کسی نام نبرد اما گفت: می‌داند که دستور قتل خاشقجی «از سوی بالاترین سطوح حکومت سعودی صادر شده است». در پی آن روابط بین دو قدرت منطقه‌ای به‌شدت وخیم و منجر به تحریم غیررسمی واردات از ترکیه توسط عربستان سعودی شد و تا سه سال پیش، ترکیه و عربستان سعودی مشغول تحریم واردات یکدیگر بودند. اما تیرگی روابط دو کشور در طول یک سال گذشته تا حدودی از بین رفته است. در تابستان سال گذشته ولیعهد عربستان سعودی برای اولین‌بار پس از قتل جمال خاشقجی به ترکیه سفر کرد. در پی آن معاملات تجاری بین دو کشور به‌سرعت رشد کرد؛ به طوری که در سال ۲۰۲۲، تجارت بین دو کشور معادل شش میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار بود. گسترش روابط تجاری با عربستان سعودی به عنوان بزرگ‌ترین اقتصاد در میان کشورهای حوزه خلیج فارس برای ترکیه اهمیت زیادی دارد.

رابطه با قطر و امارات

ترکیه و قطر به طور سنتی روابط خوبی دارند و آنکارا در در سال ۲۰۱۴، در جریان اولین بحران جدی دیپلماتیک این کشور کوچک حاشیه خلیج فارس، طرف قطر را گرفت. این جدال دیپلماتیک که میان قطر و بلوک عربستان، امارات، مصر و بحرین بود، بعدا شدیدتر شد. در جریان آن تنش، بلوک عربستان، امارات، مصر و بحرین روابط سیاسی و اقتصادی خود با قطر را قطع کردند و این کشور را به حمایت مالی از «تروریسم» در منطقه متهم کردند و قطر علاوه بر ازدست‌دادن مرزهای آبی و خاکی خود با این کشورها، مرز هوایی معمول خود برای آمد و شد پروازهای قطر ایرلاینز را که برایش حیاتی بود، از دست داد.

قطر بین سال‌های ۲۰۱۷ تا اوایل سال ۲۰۲۱ در انزوای همه‌جانبه قرار گرفت به طوری که با کمبود غذا و دارو مواجه شد و ترکیه به رهبری اردوغان به کمک قطر شتافت. رجب طیب اردوغان انزوای قطر را غیرانسانی و خلاف ارزش‌های اسلامی توصیف کرد و آن را با «حکم اعدام» مقایسه کرد.

ترکیه سپس غذا، آب و دارو به قطر ارسال کرد و به همسویی با قطر ادامه داد و تا آنجا پیش رفت که نیروهای ترکیه را در آنجا مستقر کرد. قطر هم از طریق حمایت از ترکیه در صحنه بین‌المللی و هم از طریق سرمایه‌گذاری‌های مالی بزرگ در این کشور به حمایت‌های ترکیه پاسخ داده است. برای مثال در سال ۲۰۱۸ که لیر ترکیه حدود ۴۰ درصد از ارزش خود را در برابر دلار آمریکا از دست داد، قطر با سرمایه‌گذاری ۱۵ میلیارد دلاری به کمک ترکیه رفت. سرمایه‌گذاری قطر در ترکیه بین سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۹ حدود ۵۰۰ درصد افزایش یافته است.

روابط دیپلماتیک امارات متحده عربی با ترکیه هم از اواخر سال ۲۰۲۱، در پی استقبال امارات از بازگشت قطر به عرصه دیپلماتیک کشورهای حوزه خلیج فارس بهبود یافته است. روابط ترکیه و امارات در جریان تنش میان قطر با بلوک عربستان سعودی در پی جانبداری آنکارا از قطر به‌شدت تیره شده بود. اما ترکیه و امارات حالا توانسته‌اند روابط خود را بهبود ببخشند، به طوری که سه روز پس از پیروزی اردوغان در انتخابات ماه می، ترکیه با دو کشور یک توافق تجاری به ارزش ۴۰ میلیارد دلار برای پنج سال آینده امضا کرد.

شواهد نشان می‌دهد که ترکیه بعد از پیروزی دوباره اردوغان تلاش دارد جای پای خود را در کشورهای حاشیه خلیج فارس محکم‌تر کند. در همین راستا هاکان فیدان، وزیر امور خارجه ترکیه، اخیرا با همتایان عراقی، کویتی و الجزایری‌اش در حاشیه گردهمایی جنبش عدم تعهد در باکو گفت‌وگوهای دوجانبه انجام داد. وزیر امور خارجه سوریه نیز در این گردهمایی حضور داشت.

هم‌زمان روابط ترکیه با مصر نیز رو به بهبود است، تا جایی که بعد از یک دهه بن‌بست، دو کشور قرار است سفرای خود را بازگردانده و روابط دیپلماتیکشان را احیا کنند؛ روابطی که به‌واسطه مقابله دولت مصر با اخوان‌المسلمین درگیر چالش‌های جدی شد. مقامات ترکیه اعلام کردند که در باب نشست اردوغان و عبدالفتاح السیسی، رئیس‌جمهور مصر توافق شده است اما تاریخ این دیدار مشخص نیست. بر اساس گزارش‌های مطبوعات ترکیه، سیسی قرار است در ۲۷ جولای به آنکارا سفر کند، درحالی‌که رسانه‌های عربی به نقل از منابع دیپلماتیک اعلام کردند که این دیدار احتمالا در دو هفته آینده برگزار می‌شود.

ادامه از صفحه اول

مروری بر قیام ۳۰ تیر

گاه درباره نقش کاشانی و حزب توده در ۳۰ تیر اغراق شده است. نقش کاشانی بر زمینه موقعیت مصدق اثر داشت؛ کمااینکه چند ماه بعد که از مصدق برید، نفوذ کلامش را از دست داد. حزب توده نیز که وزن اندکش در انتخابات دور هفدهم مجلس مشخص شده بود، نقشی درخور اعتنا در متن حوادث ۳۰ تیر نداشت. این حزب حتی در شماره ۲۹ تیر «به سوی آینده» مصدق را عامل آمریکا دانسته بود؛ اما دسته‌های این حزب در سطح تهران سعی کردند تا قیام را به یک شورش عمومی علیه شاه با هدف استقرار یک جمهوری توده‌ای تبدیل کنند. آنها حتی بعد از اعلام استعفای قوام و بازگشت مصدق به زدوخورد با مأموران ادامه دادند و در غروب و درحالی‌که سربازان به سربازخانه برگشته بودند، برخی مناطق تهران را به صحنه زدوخورد با طرفداران جبهه ملی که سعی در برقراری نظم داشتند، تبدیل کردند.[۹]

قیام ۳۰ تیر و رأی دادگاه لاهه به سود ایران در روز بعد موجب گشایشی هرچند موقت شد. مصدق پس از دریافت رأی اعتماد مجلس به اتفاق آرا و گرفتن اختیارات شش‌ماهه در ۲۰ مرداد که در ۲۰ دی ۳۱ تمدید شد، کوشید تا در شرایط رویارویی با انگلیس، رابطه دولت و دربار را ترمیم کند. شرحی مبنی بر اینکه «دشمن قرآن باشم ... اگر قانون اساسی را نقض کنم ... و اگر رژیم مملکت را تغییر دهند، بخواهم من ریاست‌جمهوری را قبول کنم» بر پشت قرآن نوشت و برای شاه فرستاد و از رادیو و جراید طرفدار جبهه ملی خواست به شاه احترام بگذارند و از او انتقاد نکنند. سپهر ذبیح بر مبنای مصاحبه با سران جبهه ملی و برخی مقامات دربار به‌ویژه عبدالحسین همزاوی نقل کرده است که مصدق در ملاقات با شاه در اول مرداد طرح مقدماتی یک نظام مشروطه پارلمانی را به شاه داد.[۱۰] مصدق همچنین بعد از ۳۰ تیر تصمیم گرفت در ارتباط با ملاقات سفرای خارجی با شاه رویه مرسوم در انگلیس را اعمال کند؛ به این شکل که درخواست ملاقات از طریق وزارت خارجه مطرح شود و وزیر خارجه در این ملاقات‌ها حضور یابد.

میل به تندروی در مخالفان آشکار و غیرآشکار مصدق بعد از ۳۰ تیر از دیگر تحولات این دوره بود. آنها بر آن بودند که در مسئله نفت شعارهای تندتر و ستیزه‌جویانه‌تر بدهند و این‌گونه راه را بر هرگونه توافق برای حل‌وفصل اختلاف، مادام که مصدق بر سر کار است، ببندند.[۱۱] اقدام بقایی در مجلس برای تصویب طرح سه‌فوریتی مفسد فی‌الارض بودن قوام و مصادره اموال او نمونه دیگری از این‌گونه افراط‌گری‌ها بود. مصدق حاضر به اجرای قانون مربوطه مجلس که به تأیید سنا و امضای شاه نیز رسیده بود، نشد. استدلال مصدق این بود که اولا مصادره اموال بدون شنیدن دفاعیات متهم در دادگاه صالحه خلاف اصول بنیادین حقوق است، ثانیا خلاف اصل ۱۶ قانون اساسی دایر بر منع مصادره اموال مردم مگر به حکم قانون است، ثانیا مرجع ذی‌صلاح برای محاکمه وزرا مطابق قانون ۱۳۰۷ دیوان عالی کشور با اجازه مجلس است.[۱۲]

درباره ۳۰ تیر، از دو نظر انتقاداتی نیز متوجه مصدق شده است: نخست اینکه برخی معتقدند که در ۳۰ تیر و درحالی‌که زمینه برای برچیدن سلطنت فراهم بود، اشتباه مصدق امتناع از استقرار جمهوری در کشور بود و اینکه کاستن و محدودکردن اختیارات شاه فرع بر اصل بود و با توجه به ساختار سیاسی ایران و کم‌وکیف قانون اساسی غیرممکن بود و اگر هم در مقطعی میسر می‌شد، چنانچه بعد از ۳۰ تیر میسر شد؛ اما همواره به‌عنوان استخوان لای زخم باقی می‌ماند؛ کمااینکه تسویه‌حساب با آن تنها در ۵۷ و از طریق یک انقلاب پرهزینه ممکن شد. برخی نیز معتقدند که مصدق بعد از ۳۰ تیر و صدور رأی دادگاه لاهه و در شرایطی که در اوج پیروزی بود و دست انگلیس تقریبا کوتاه شده بود، باید از فرصت برای حل مشکل نفت استفاده می‌کرد.

پی‌نوشت‌ها:

۱- همایون کاتوزیان، مصدق و نبرد قدرت، مؤسسه رسا، ۱۳۷۱، صص ۳۳-۲۳۲
۲- غلامحسین مصدق، خاطرات، مؤسسه رسا، ۱۳۶۹، ص ۷۷
۳- سپهر ذبیح، ایران در دوره دکتر مصدق، انتشارات عطایی، تهران ۱۳۷۰، صص ۱۳-۱۱۱
۴- محمد مصدق، خاطرات و تألمات، صص، ۶۱-۲۶۰
۵- حسین مکی، تاریخ بیست‌ساله، جلد ۳، ص. ۳۳۷
۶- کاتوزیان، همان، ص ۲۳۴
۷- سرهنگ غلامرضا مصور رحمانی، کهنه‌سرباز، مؤسسه رسا، تهران ۱۳۶۶ ص ۲۲۱
۸- سپهر ذبیح، همان، صص ۹۹-۹۶
۹- همان، صص ۱۰۲-۱۰۱
۱۰- همان، ص ۱۰۲
۱۱- محمدعلی موحد، خواب آشفته نفت، نهضت ملی، ص ۶۰۸
۱۲- برای تفصیل بیشتر ر.ک: ایرج پزشکزاد، گویایی از تاریخ، نشر بقا، بدون تاریخ. ص ۴

صدایی که همچنان شنیده نمی‌شود

اکنون ای کاش به جای اقدامات بی‌حاصل و حتی ضد توسعه‌ای مانند احیای «وزارت بازرگانی» و بازگشت تأسف‌بار به عقب و سرکوب قیمت‌ها و سیل واردات، با بهره‌گیری از تجارب تاریخی، ندای عقل سلیم و علم اقتصاد شنیده و با اتخاذ سیاست‌های اقتصادی و صنعتی آزاد و رقابتی، اصلاح نهادهای پیش‌برنده توسعه اقتصادی و صنعتی (وزارت صمت، وزارت اقتصاد، سازمان برنامه، بانک مرکزی و...)، انتخاب تیم اقتصادی قوی و تنش‌زدایی از روابط خارجی و بسط حقوق و آزادی‌های شهروندی برای مشارکت مردم در اداره جامعه، امکان گذار از وضعیت بسیار نامطلوب فعلی (تورم ۵۰ درصدی و رشد اقتصادی دو، سه درصدی و رتبه‌های ۱۶۹ و ۱۴۷ در آزادی و فساد اقتصادی و...) و آغاز دوره طلایی دیگری در اقتصاد و صنعت و نه بهبود «سفره مردم» که یادآور اقتصادی بخور و نمیر و معیشتی است، فراهم شود. ای کاش!

معجزه‌های کوچک احمدرضا

ادامه از صفحه اول

گفتم: خیلی حساب‌ها. به هزارویک دلیل. هزارویکمیش اینکه به مناسبت تولدتون آماده‌ش کرده بودیم اما کاغذ نداشتیم، رسید به الان. فردا یا پس‌فردا منتشر می‌شه، میارم براتون.

گفت: بیار ببینم.

حیف! هزار حیف! حالا باید چقدر حسرت بخوریم که نشد مجله را ببیند. می‌دانم این حسرت را تا همیشه، تا ابد روی دوشم، توی سینه‌ام خواهم داشت.

دستم را گرفت. شاید هم من دستش را گرفتم. چه فرقی می‌کند. مهم این بود آن دست‌های نازنین حالا در دست‌های من بود.

چه سرد بود خدا، و نحیف و کوچک و کودکانه. باید از هراس این لحظه می‌گریختم، گفتم: رمان جدید شروع نکردین؟

گفت: جون ندارم. و به دست‌هایش اشاره کرد.

گفتم: شما با دست‌هاتون نمی‌نویسین که.

گفت: فقط نقاشی می‌کنم.

و به کاغذ تخته‌شاسی روی تختش اشاره کرد.

یکدفعه انگار چیزی یادش افتاده باشد، یا کلمه‌ای، حسی، رازی بهش الهام شده باشد، گفت: رنگ زردو بدین!

و به قوطی‌های آبرنگ اشاره کرد که آن طرف‌تر کمی دورتر از تخت، روی میز ردیف بودند. باز نفهمیدم. خانمش گفت: رنگ زردو می‌خواد.

و قلم‌مو را آغشته به رنگ زرد کرد، دادم دستش. چند تاش زرد روی کاغذ سفید انداخت. و یکدفعه گفت: خسته شدم.

قلم‌مو را به من داد. گفت: بقیه‌شو تو رنگ کن!

من، بی‌استعدادترین نقاش همه دوران‌ها، ناچار چند لکه زرد بی‌رمق روی کاغذ انداختم. زرد این لکه‌ها چقدر فرق داشت با تاش‌های زرد قلم احمدرضا. شک ندارم هر که نگاه می‌کرد، در دم می‌فهمید کدام‌هایش هنر دست‌های احمدرضاست.

باز گفت: «عموزاده، عموزاده، عموزاده...» سه بار.

گفتم: جانم؟

کلمه‌ای گفت میان خسته، آب و درد. خانمش آب برایش آورد، در لیوانی با نی. دو قطره بیشتر نخورد. دست‌هایش را دوباره دراز کرد طرفم.

دست عزیزش را گرفتم توی دستم و خیره شدم بهشان. زلال بود و شفاف. شاید باورتان نشود، قسم می‌خورم می‌شد آن طرف دست‌هایش را دید. شفاف بودند و زلال و لطیف، مثل حریر شیشه‌ای! خدایا این همه زلالی نشانه چی بود؟

نشانه؟...

واقعا زرد نشانه چی بود در نگاه احمدرضا؟ زرد نشانه چی بود و رنگ‌های دیگر نشانه چی؟

می‌دانستم احمدرضا هیچ‌وقت دنبال نشانه‌سازی و نمادبازی در کارهایش نبود. نشانه‌ای اگر بود، به همان سادگی احمدرضا، در آثارش جاری می‌شد، بی‌ریا، بی‌تصمیم، بی‌نقشه، بی‌تصنع. اصلا ویژگی احمدرضا، مزیت احمدرضا، سبک احمدرضا همین جاری‌شدن خودش در آثارش بود. به سهل و ممتنعِ خود احمدرضا.

در خانه تا شب، تا فردا که دوشنبه بود، حتی تا سه‌شنبه که غم‌انگیزترین سه‌شنبه کودکان بود، به شعرها و داستان‌های احمدرضا فکر کردم. به پسرکی که حتم دارم خودش بود در همه داستان‌هایش که قدم به قدم و سطر به سطر و صحنه به صحنه و داستان به داستان احمدرضا را بازنمایی می‌کرد.

نه، برای پیداکردن رنگ زرد و رنگ‌های دیگر در داستان‌های احمدرضا خیلی لازم نبود بگردم و احمدرضا را بکاوم. احمدرضا رنگ‌ها را میان داستان‌هاش کاشته بود. رنگ در آثارش جاری بود، بی‌تصنع، بی‌نقشه، بی‌ادعا، بی‌هیاهو. کافی بود بروم سراغ آثارش و بی‌هیچ انتخابی کتاب‌هایش را فقط ورق بزنم.

«پسر کالسکه را به حرکت درآورد. رنگ‌های اسب زرد شده بودند. کالسکه به دشتی پهناور رسید. از زمینش شمع‌های روشن روییده بود. (تکه ابر، شاخه نرگس)

«روز بعد یکشنبه بود. دو گنجشک در قفس بودند...

من با مداد سبز روی دیوار یک جاده نقاشی کردم که دو طرف آن انبوه از درخت بود. هنوز به درخت آخر جاده نرسیده بودم که مداد سبزم تمام شد. درخت آخر جاده را با رنگ زرد نقاشی کردم. تمام درخت‌های روی دیوار رنگ سبز بهاری داشتند. اما درخت آخر روی دیوار رنگ زرد پاییزی داشت. گنجشک‌ها درخت آخر جاده را نگاه کردند و غمگین شدند. می‌دانستند که درخت زرد هم غمگین است...» (نوشتم باران، باران بارید).

درخت زرد انتهای جاده... درخت زرد غمگین... یعنی راز آخرین تاش‌های زرد قلم‌موی احمدرضا به درخت زرد انتهای جاده اشاره می‌کرد؟

درخت انتهای جاده... کشف این راز حتی اگر رازی نباشد، کشفی نباشد و فقط یک خیال گذرای زرد زودگذر باشد باز قادر است مرا به گریه بیندازد از یادآوری آن آخرین لکه‌های زرد رنگی بی‌مقدارم که کنار نقاشی‌های زرد احمدرضا نشسته است.

◆◆◆

جاده‌ها به احمدرضا احتیاج داشتند تا آن درخت زرد غمگین آخرین درخت جاده نباشد.

جهان ما به احمدرضا احتیاج داشت برای درخت، پرنده، آسمان؛ سه واژه‌ای که احمدرضا با آنها زندگی کرده بود، راه‌ها رفته بود، بازی‌ها کرده بود.

کودکان ما به احمدرضا احتیاج داشتند برای میراث رنگی‌اش که احمدرضا برای آنها به یادگار گذاشت.

احمدرضا راهش را بلد بود، احمدرضا می‌دانست چطور حرف بزند که فقط بچه‌ها حرفش را باور کنند. احمدرضا می‌دانست چطور بنویسد باران، تا در دم باران ببارد.

گویی احمدرضا برانگیخته شده بود برای زیباترکردن، مهربان‌ترکردن و روشن‌ترکردن جهان کودکان.

و معجزه‌اش؟

معجزه احمدرضا برخلاف آنچه گمان می‌بریم واژگان نبودند. کلمه نبود، که احمدرضا می‌دانست آدمی در سقوط کلمات سقوط می‌کند. احمدرضا همراه با تصعید کلماتش، صعود کرد، اوج گرفت و بالا رفت... با معجزه‌اش که کلمه نبود، یک پاک‌کن بود و یک جعبه مداد رنگی!

«صبح امروز به مادرم گفتم:

برای احمدرضا مداد رنگی بخرید

مادرم خندید:

درد شما را واژه دوا می‌کند...» با این حال مادرش در کتاب «ناگهان همه چراغ‌ها روشن شدند» احمدرضا را به رؤیای رنگی‌اش رساند:

«مادرم یک پاک‌کن و یک جعبه مداد رنگی به من داد. «همه جهان باشکوه، رشک‌برانگیز و در عین حال ساده و زلالی که احمدرضا در داستان‌هایش بنا می‌نهد در همین جمله آغازین این کتاب خلاصه شده است:

معجزه‌ای که در بسیاری از داستان‌ها و کتاب‌های دیگرش بازنمایی می‌شود.

«وقتی پدرم به سفر رفت، بهار بود. پدرم... برای ما یک جعبه مداد رنگی و یک مداد پاک‌کن در خانه نهاد و رفت».

احمدرضا جهان لطیف، باشکوه و معصوم خود را با تمامی زیبایی‌هایش، با همین پاک‌کن و مداد رنگی خلق می‌کند. با پاک‌کن به جان پلشتی‌های جهانی می‌افتد که ما را احاطه کرده است. زشتی، جنگ، خشونت، بی‌عدالتی، گرسنگی، زمستان، بیماری، دشمنی، گریه، توفان، فریب، دغل، اندوه، دروغ، تاریکی، ستم یکی‌یکی با مداد پاک‌کن احمدرضا پاک می‌شوند و به جای آنها احمدرضا جهان محبوب خود را می‌نشاند. زیبایی، صلح، مهربانی، بهار، آواز، خنده، نسیم، جوانی، شادی، امید، دوستی، راستی و عدالت را نقاشی می‌کند، می‌نویسد و با داستان‌هایش جهانی از مهربانی و زیبایی را به کودکان هدیه می‌کند.

«روی کاغذ نوشته بودند: سیل.

سیل را پاک کردم، با مداد نقره‌ای نوشتم: نم‌نم باران.

در نم‌نم باران در تاکستان‌های جهان ناگهان کودکان برای سال‌های آینده خوشه‌های انگور به مادران سپردند. جهان در رنگ‌های نقره‌ای غرق شد».

«روی کاغذ نوشته بودند: مرگ.

مرگ را پاک کردم. با مداد آبی نیلی نوشتم: زندگی.

کودکان جهان ناگهان به کنار دریا آمدند. با توپ آبی نیلی‌رنگ بازی کردند. جهان در رنگ آبی نیلی غرق شد...».

«روی کاغذ نوشته بودند: تاریکی.

تاریکی را پاک کردم. با مداد زرد نوشتم روشنایی. در همه جهان ناگهان چراغ‌ها روشن شدند و جهان در رنگ زرد غرق شد».

احمدرضا با جعبه مداد رنگی‌اش نه فقط در کار بازنمایی واقعیت جهان، که در پی کشف و خلق جهان محتمل و واقعیت‌های محتمل آن جهان است. در نگاه امپرسیونیستی کودکانه احمدرضا، بهارِ محتمل با مداد رنگی نارنجی ظهور می‌کند، آواز با مداد رنگی نیلی کشف می‌شود و جوانی با رنگ پرتقالی طلوع می‌کند تا امید با رنگ لیمویی، جهان ساخته احمدرضا را در خود غرقه کند.

آواز نیلی، امید لیمویی، جوانی پرتقالی و بهار نارنجی جز در رئالیسم کودکانه و رنگی احمدرضا، احتمال وقوع نمی‌یابد و البته جز از نگاه رئالیستی کودکان واقعی جهان ما.

کسی چه می‌داند شاید احمدرضا، و فقط احمدرضا بیش از هر کس دیگری از شکوه، عظمت و ظرفیت بی‌پایان جعبه مداد رنگی شگفت‌انگیزش برای خلق جهان‌های محتمل کودکانه آگاه بوده که آن را در شعر وصیت‌گونه‌اش می‌سراید:

«مرا نکاوید/ مرا بکارید/ من اکنون بذری درستکار گشته‌ام/ مرا به الوار نور ببندید/ از انگشتانم برای کودکان مداد رنگی بسازید... در سینه‌ام بذر مهر بپاشید/ تا کودکان خسته از الفبا/ در مرغزارهایم بازی کنند...».

برگ سبز خودرو رنولوگان L90 رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۹۰ به شماره پلاک ایران ۱۰ - ۴۱۷ ص ۳۶ و شماره موتور K4MA690W059562 و شماره شاسی NAPLSRALD01101940 به نام **حسین معیری** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز خودرو ام‌وی‌ام رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۹۲ به شماره پلاک ایران ۸۸ - ۱۸۳ه۷۹ و شماره موتور MVM484FFFD021832 و شماره شاسی NATGCAVF6D1021824 به نام **امیر مقدم نژاد** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز خودرو پژو ۲۰۷i رنگ خاکستری متالیک مدل ۱۳۹۹ به شماره پلاک ایران ۸۱ - ۵۱۷ س ۴۲ و شماره موتور 178B0021323 و شماره شاسی NAAR03FE4LJ105174 به نام **کاظم نادری لردجانی** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

«آگهی فقدان کارت خودرو»

کارت خودرو سواری سراتو ۲۰۰۰ مدل ۹۶ با شماره موتور ۵۷۶۵۲۸ و به شماره شاسی ۱۰۳۲۵۸۵ و شماره پلاک ۶۴۲ه۲۴ ایران ۴۴ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

بدین وسیله از کلیه سهامداران شرکت سلامت ایران یاران آنی طب ایرانیان سهامی خاص به شماره ثبت ۵۸۱۰۸۶ و شناسه ملی ۱۴۰۱۰۱۷۲۸۰ دعوت به عمل می آید تا در جلسه مجمع عمومی فوق العاده شرکت که در ساعت ۱۴ مورخ ۱۴۰۲/۰۵/۰۹ در محل تهران اشرفی اصفهانی، خیابان ناطق نوری، خیابان ابراهیم نوری، کوچه موسی الرضا، پلاک ۸، مجتمع رز، واحد ۱۰ تشکیل می شود حضور بهم رسانند.
دستور جلسه: تصمیم گیری جهت ادامه یا اتمام کار آنی طب
باتشکر
منصور امینی
بازرس اصلی شرکت سلامت یاران آنی طب ایرانیان